

روم بینش را برقرار می‌سازد — شماره ده

آخری نزاع: یوایل کی کتاب، نیو یارک کا سقوط، اور ایڈونٹسٹ تاریخ میں روم کی علامت

Jeff Pippenger

2024-08-26

آخرین مجادله‌ای که می‌خواهم آن را همراه با دیگر استدلال‌های تاریخی دربارهٔ نماد روم در تاریخ ادونتیست گرد آورم، کتاب یوئیل است. آن مجادله پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد، و بدون در نظر گرفتن اوضاع و احوال آن دوره، ممکن است چند نکته ظریف به‌خوبی از نظر دور بماند. برای قرار دادن آن اوضاع در بستر مناسب، لازم است تاریخ میلریتی مورد بررسی قرار گیرد. در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، نبوت زمانی مکاشفه باب نهم، آیه پانزدهم، به انجام رسید.

او آن چهار فرشته رها شدند؛ همانان که برای ساعتی، و روزی، و ماهی، و سالی مهیا شده بودند تا یک‌سوم مردمان را بکشند. مکاشفه ۹:۱۵

آیه، «ساعت و روز و ماه و سال» را معادل سیصد و نود و یک سال و پانزده روز معرفی می‌کند. آن چهار فرشته نمایانگر زمانی بودند که اسلام به قدرت برخاست و جنگ را بر ضد روم به راه انداخت، و این امر از ۲۷ ژوئیه ۱۴۴۹ آغاز شد. نقطه آغاز با به‌کارگیری نقطه پایان نبوت زمانی دیگری به مدت یکصد و پنجاه سال تعیین گردید. نخستین نبوت زمانی یکصد و پنجاه ساله در تاریخ وای نخست مطرح شد، که همان شیپور پنجم مکاشفه باب نهم نیز هست. هنگامی که نبوت یکصد و پنجاه ساله در ۲۷ ژوئیه ۱۴۴۹ به پایان رسید، نبوت زمانی‌ای که اکنون در نظر داریم آغاز شد، و سیصد و نود و یک سال و پانزده روز بعد، این نبوت در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ پایان یافت.

ویلیام میلر قدرت‌های مکاشفه باب نهم را نمایانگر اسلام دانسته بود، و پیش از تاریخ ۱۱ اوت ۱۸۴۰، یکی از میلری‌ها به نام یوشیا لیچ پیشگویی‌ای را بر پایه نبوت مطرح کرد که مشخص می‌ساخت در سال ۱۸۴۰، برتری عثمانی پایان خواهد یافت. ده روز پیش از ۱۱ اوت ۱۸۴۰، لیچ پیشگویی خود را با دقت بیشتری تنظیم و به‌روزرسانی کرد تا نه فقط سال تحقق نبوت، بلکه همان سال، روز و ماه را نیز معین سازد. خواهر وایت دربارهٔ تأثیر پیشگویی لیچ بر جهان دینی میلری‌ها، هنگامی که آن رویداد به وقوع پیوست، چنین اظهار نظر می‌کند.

«در سال ۱۸۴۰، تحقق شگفت‌انگیز دیگری از نبوت، علاقه‌ای گسترده برانگیخت. دو سال پیش از آن، یوشیا لیچ، یکی از برجسته‌ترین خادمان موعظه‌کننده آمدن ثانوی، تفسیری بر مکاشفه ۹ منتشر ساخت و سقوط امپراتوری عثمانی را پیشگویی کرد. بنا بر محاسبات او، این قدرت می‌بایست... در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ سرنگون شود، هنگامی که می‌توان انتظار داشت اقتدار عثمانی در قسطنطنیه در هم شکسته شود. و من بر این باورم که چنین نیز ثابت خواهد شد.»

«در همان زمانی که تعیین شده بود، ترکیه از طریق سفیران خود حمایت قدرت‌های متحد اروپا را پذیرفت، و بدین‌سان خود را تحت تسلط ملت‌های مسیحی قرار داد. این رویداد دقیقاً پیشگویی را به انجام رسانید. هنگامی که این امر معلوم شد، انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوی که میلر و همکارانش اختیار کرده بودند، متقاعد شدند، و نیروی محرک شگفت‌انگیزی به جنبش ظهور داده شد. مردان دانش و منزلت با میلر متحد شدند، هم در موعظه و هم در انتشار دیدگاه‌های او، و از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ این کار به سرعت گسترش یافت.» نبرد عظیم، ۳۳۴، ۳۳۵.

تأیید او از این رویداد در طول سال‌ها بارها و به شیوه‌های گوناگون از سوی ادونتیست‌های روز هفتم لاودیکه‌ای مورد حمله قرار گرفته است. همان‌گونه که درباره «هفت زمان» و «قریانی دائمی» نیز چنین است، حمله به این حقیقت به منزله رد بنیادهاست، آن‌گونه که بر دو لوح مقدس نمود یافته‌اند، و نیز رد اقتدار روح نبوت. دلیل آنکه شیطان برای نابود ساختن اعتماد به این تاریخ کوشیده است، چندوجهی است.

پیشگویی لیچ از «اصولی در تفسیر نبوی که میلر پذیرفته بود» بهره می‌برد. به میلر درباره عنصر زمان نبوی بصیرت داده شده بود، و هر کس در این تردید دارد که پیام میلر بر زمان نبوی مبتنی بود، تنها لازم است نمودارهای پیشگامان ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ را بررسی کند تا تأیید شود که چنین بوده است. پیش از ۱۱ اوت ۱۸۴۰، کسانی که با پیش‌بینی میلر درباره بازگشت مسیح مخالفت می‌کردند، استدلال می‌کردند که نمی‌توان از زمان نبوی برای دریافتن این‌که مسیح چه هنگام بازخواهد گشت استفاده کرد. آنان غالباً از بیان کتاب مقدس درباره ندانستن روز و ساعت بهره می‌گرفتند تا در برابر پیام و کار او مقاومت کنند.

اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس آگاه نیست، حتی فرشتگان آسمان، جز پدر من تنها. و چنان‌که ایام نوح بود، ظهور پسر انسان نیز همان‌گونه خواهد بود. زیرا همان‌طور که در روزهای پیش از طوفان، مردم می‌خوردند و می‌نوشیدند، زن می‌گرفتند و شوهر می‌کردند، تا روزی که نوح به کشتی درآمد، و ندانستند تا طوفان آمد و همه را با خود برد، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود. آنگاه دو نفر در مزرعه خواهند بود؛ یکی گرفته خواهد شد و دیگری واگذاشته خواهد شد. متی 24:36-40.

با وجود این متن، میلری‌ها شواهد کتاب مقدسی بیش از اندازه‌ای برای پشتیبانی از پیشگویی‌های خود یافتند و بر همان اساس به کار خود ادامه دادند و بر پایه اصلی عمل کردند که بعدها خواهر وایت آن را شناسایی کرد.

«هیچ‌کس روز و ساعت را نمی‌داند» استدلالی بود که ردکنندگان ایمان به آمدن، پیش از هر چیز مطرح می‌کردند. آیه کتاب مقدس چنین است: «اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس اطلاع ندارد، حتی فرشتگان آسمان نیز، جز پدر من فقط.» متی 24:36. توضیحی روشن و هماهنگ از این متن به وسیله کسانی که در انتظار خداوند بودند ارائه شد، و استفاده نادرستی که مخالفانشان از آن می‌کردند به وضوح نشان داده شد. این سخنان را مسیح در آن گفت‌وگوی به یادماندنی با شاگردان خود بر فراز کوه زیتون بیان کرد، پس از آنکه برای آخرین بار از هیکل بیرون آمده بود. شاگردان این پرسش را مطرح کرده بودند: «علامت آمدن تو و انقضای عالم چیست؟» عیسی نشانه‌ها را به ایشان داد و فرمود: «پس چون همه این چیزها را ببینید، بدانید که نزدیک است، بلکه بر درها.» آیات 3، 33. نباید یک سخن نجات‌دهنده چنان به کار گرفته شود که سخنی دیگر از او را باطل کند. هرچند هیچ‌کس روز و ساعت آمدن او را نمی‌داند، ما تعلیم یافته‌ایم و از ما خواسته شده است که بدانیم چه زمانی نزدیک است. افزون بر این، به ما تعلیم داده شده است که بی‌اعتنایی به هشدار او، و امتناع یا غفلت از دانستن نزدیک بودن ظهور او، برای ما همان قدر مهلک خواهد بود که برای کسانی که در روزگار نوح می‌زیستند، ندانستن زمان آمدن طوفان مهلک بود. و مثل همان فصل، که خدمتکار امین را با خدمتکار بی‌ایمان مقابله می‌کند، و سرانجام آن کس را که در دل خود گفت: «آقای من در آمدن خود تأخیر می‌کند» بیان می‌دارد، نشان می‌دهد که مسیح کسانی را که هنگام آمدنش بیدار و مراقب می‌یابد و آمدن او را تعلیم می‌دهند، و نیز کسانی را که آن را انکار می‌کنند، در چه نوری خواهد نگرست و چگونه پاداش خواهد داد. او می‌گوید: «پس بیدار باشید.» «خوشا به حال آن خدمتکاری که آقايش چون آید، او را در چنین کاری مشغول یابد.» آیات 42، 46. «پس اگر بیدار نباشی، مانند دزد بر تو خواهیم آمد، و نخواهی دانست که در چه ساعتی بر تو خواهیم آمد.» مکاشفه 3:3. جدال عظیم، 370.

کله چې د لېچ وړاندوینه پوره شوه، «د علم او مقام خاوندان له مېلر سره یوځای شول، هم د وعظ په کولو او هم د هغه د نظریاتو په خپرولو کې، او له ۱۸۴۰ څخه تر ۱۸۴۴ پورې دا کار په چټکۍ سره پراخ شو.» د مېلر پیغام هغه مهال ځواکمن شو چې د نبوي تفسیر د هغه قواعد د معتبر قواعدو په توګه تأیید شول. د وخت د نبوت د پوره کېدو په غبرګون کې، نه یوازې د مېلر قواعد تأیید شول او ډېر کسان بیا له مېلرۍ غورځنګ سره یوځای شول، بلکې په نبوي لحاظ همدومره مهمه دا وه چې د مېلر د قواعدو له ډلې اصلي قاعده تأیید شوې وه. همدارنګه، دا حقیقت چې دغه تأیید د درېیو «آفتونو» له دویم آفت سره د تړلې نبوت په تطبیق سره تر لاسه شو، کوم چې هماغه پنځم، شپږم او اووم شپېلۍ دي.

توانمندسازي پیام میلر به یکی از مهم‌ترین نشانه‌های راه در جنبش اصلاحی میلری تبدیل شد. این امر به واسطه تعمید عیسی نمونه‌وار شده بود. این نشان می‌داد که فرایند نهایی آزمون قوم عهد پیشین (پروتستان‌ها) آغاز شده است. این امر به کانون حمله شیطان علیه کلیت جنبش و پیام میلری بدل شد.

«هر پرسشی که شیطان بتواند در ذهن برانگیزد تا در خصوص تاریخ عظیم سفرهای گذشته قوم خدا شک و تردید ایجاد کند، خاطر آن جلالت‌مآب شیطانی را خشنود می‌سازد و اهانتي به خداست. خبر آمدن قریب‌الوقوع خداوند به جهان ما با قدرت و جلال عظیم، حقیقت است، و در سال ۱۸۴۰ صداهای بسیاری برای اعلام آن برخاست.» Manuscript Releases, جلد ۹، 134.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، وای سوم وارد تاریخ نبوی شد. این رویداد، قاعده اصلی تفسیر نبوی را که نهضت فرشته سوم، آغاز شده در ۱۹۸۹، پذیرفته بود، تأیید کرد. نخستین حقیقتی که بر پیام‌آور آن نهضت اصلاحی گشوده شد، در سال ۱۹۸۹ گشوده شد، و آن شش آیه آخر دانیال یازده نبود. آن حقیقت این بود که همه نهضت‌های اصلاحی به صورت موازی با یکدیگر جریان دارند و باید سطر بر سطر در کنار هم قرار داده شوند تا ویژگی‌های نهضت صد و چهل و چهار هزار نفر، که همان نهضت فرشته سوم است، شناخته شود. نخستین ارائه عمومی که من انجام دادم، در یک گردهمایی اردوگاهی در سال ۱۹۹۴، یا شاید ۱۹۹۵، بود. آن ارائه درباره شش آیه آخر دانیال یازده نبود، بلکه درباره خطوط اصلاحی‌ای بود که به طور موازی با یکدیگر امتداد می‌یابند.

وقتی نبوت اسلام در «وای» سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به انجام رسید، با ۱۱ اوت ۱۸۴۰ موازات داشت. در سال ۱۸۴۰، نبوتی درباره وای اول و دوم، پیام میلری‌ها را تأیید کرد، و در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نبوتی درباره وای سوم، پیام Future for America را تأیید نمود. شناسایی این حقیقت، جماعتی کثیر را به درون این جنبش آورد، حال آنکه پیش از آن، این جنبش اساساً به یک فرد محدود بود. سپس پیام جنبش و پیام‌آور آن مورد حمله قرار گرفت، درست همان‌گونه که تاریخ ۱۸۴۰ در طی دهه‌های پس از آن، کانون حمله شیطانی شده بود.

آنان که به جنبش «آینده برای آمریکا» پیوستند، قواعد تفسیر نبوی را که فرستاده آن تاریخ گرد آورده بود، پذیرفتند. یکی از آن قواعد، و شاید مهم‌ترین آن‌ها، این بود و هست که نبوت دارای کاربردی سه‌گانه است. آن فرستاده به این درک رسیده بود که برخی حقایق نبوی در سه تحقق مشخص به تصویر کشیده شده‌اند. با این باور که تاریخ میلری در تاریخ صد و چهل و چهار هزار تکرار شده است، چنین دیده شد که ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نمونه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بوده است، و اینکه دیگر خطوط اصلاح مقدس نیز همان نشان راه را در خود داشتند.

شیر سبط یهودا نه اُس وقت تیسرے فرشته کی سطر میں ہر مقدس اصلاحی سطر کی تکرار کے ثبوت کو آشکارا کر دیا۔ یہ دیکھا گیا کہ جس طرح میلرائیٹ تاریخ نے دس کنواریوں کی تمثیل کو حرف بہ حرف پورا کیا، اسی طرح فیوچر فار امریکہ کی تاریخ نے بھی ایسا ہی کیا۔

«من غالباً به مَثَل ده باکره ارجاع داده می‌شود که پنج تن از آنان دانا و پنج تن نادان بودند. این مَثَل به دقیق‌ترین وجه، حرف‌به‌حرف، تحقق یافته و تحقق خواهد یافت، زیرا کاربردی ویژه برای این زمان دارد و، همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته است و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود.» 19، Review and Herald، اوت 1890.

بنیف مکاشفہ دس کی سات گرجوں کو اس امر کی نشان دہی کے لیے پہچانا گیا کہ 11 اگست 1840 سے 22 اکتوبر 1844 تک ملیریوں کا تجربہ، اور نیز 11 ستمبر 2001 سے لے کر عنقریب آنے والے اتوار کے قانون تک کی تاریخ، اسی سے متعلق ہے۔

«نوری خاص کہ به یوحنا عطا شد و در هفت رعد بیان گردید، ترسیمی از رویدادهایی بود که تحت پیام‌های فرشته اول و دوم به وقوع می‌پیوستند....»

«پس از آن‌که این هفت رعد صداها را برآوردند، همان‌گونه که در مورد کتاب کوچک به دانیال دستور داده شد، به یوحنا نیز این فرمان داده می‌شود: "آنچه را که هفت رعد گفتند، مہر کن." این‌ها به رویدادهای آینده مربوط می‌شوند که در ترتیب خود آشکار خواهند شد.» تفسیری کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، ۹۷۱.

پذیرفته شد که خواہر وایت به صراحت گفت کہ حرکتِ فرشتہ سوم به موازاتِ حرکتِ فرشتہ اول و دوم پیش می‌رود.

«خداوند برای پیام‌های مکاشفہ ۱۴ جایگاهشان را در سلسلہ نبوت مقرر کرده است، و کار آن‌ها تا پایان تاریخ این زمین نباید متوقف گردد. پیام‌های فرشتہ اول و دوم هنوز برای این زمان حقیقت‌اند، و باید در موازات این پیامی که در پی می‌آید جریان یابند. فرشتہ سوم هشدار خود را با آوازی بلند اعلام می‌کند. یوحنا گفت: «پس از این امور، فرشتہ‌ای دیگر را دیدم که از آسمان فرود می‌آمد، و قدرتی عظیم داشت، و زمین از جلال او روشن شد.» در این تابش، نور هر سه پیام با یکدیگر متحد شده است.» The 1888 Materials, 803, 804.

حرکتِ فرشتہ اول اور دوم، فرشتہ سوم کی حرکت کے متوازی ہے۔ وہ پیشین گوئی جس نے فرشتہ اول اور دوم کی تحریک کو قوت بخشی، اول اور دوم وای کی ایک زمانی پیشین گوئی کی تکمیل سے مؤثر ہوئی؛ اور فرشتہ سوم کی تحریک کی تقویت بھی تیسرے وای کی پیشین گوئی کی تکمیل سے ہوئی۔

چنان‌کہ در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، هنگامی کہ پیام Future for America تأیید شد، «انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوی کہ Future for America اختیار کرده بود، متقاعد شدند» و «شتابی شگفت‌انگیز به جنبش ادونت بخشیده شد.» «مردان اهل دانش و صاحب‌منصب» با Future for America متحد شدند، «هم در موعظه و هم در نشر» پیام نبوی Future for America. قاعدہ مشخص Future for America کہ به روشنی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را به عنوان تحقق نبوت تأیید کرد، «کاربرد سه‌گانه نبوت» بود.

Cuando aceptamos la perspectiva fundamental sobre el islam relativa al primer y al segundo ay, tal como está representada en ambos cuadros sagrados, en conjunto con el testimonio escrito de quienes enseñaron el mensaje, reconocemos características proféticas específicas asociadas con el primer ay y con el segundo ay. La Biblia enseña repetidamente, de diversas maneras, que la verdad queda establecida sobre el testimonio de dos. Las características proféticas del primer ay, combinadas con las características proféticas del segundo ay, establecen las características proféticas del tercer ay. La triple aplicación del islam es tan específica al identificar la llegada del tercer ay el 11 de

septiembre de 2001, que es imposible no verla, aunque la mayoría opta por cerrar los ojos ante la evidencia

پیشگوئی با کاربرد سه گانه خود به طور استوار ثابت کرد که وای سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید. آنگاه دیده شد که این قاعده مستقیماً با پیام فرشته دوم مرتبط بوده است؛ پیامی که در زمان میلری ها، و نیز در زمان صد و چهل و چهار هزار تن، همان دوره ای است که در آن روح القدس افاضه می شود. هر دو تاریخ، تحقق مثل ده باکره اند؛ و در این مثل، این پیام فریاد نیمه شب است که در آن تمایز میان دانایان و جاهلان آشکار می شود، و نیز همان جاست که پیام فرشته دوم اقتدار می یابد.

«نزدیک به پایان پیام فرشته دوم، دیدم نوری عظیم از آسمان بر قوم خدا می تابید. پرتوهای این نور به سان خورشید درخشان می نمود. و آواز فرشتگانی را شنیدم که ندا می دادند: "اینگ داماد می آید؛ به استقبال او بیرون روید!"»

«این همان فریاد نیمه شب بود که می بایست به پیام فرشته دوم قدرت ببخشد. فرشتگانی از آسمان فرستاده شدند تا مقدسان دلسرد را بیدار سازند و ایشان را برای کار عظیمی که پیش رویشان بود آماده کنند. با استعدادترین مردان نخستین کسانی نبودند که این پیام را دریافت کردند. فرشتگان نزد فروتنان وقف شده فرستاده شدند و آنان را برانگیختند تا این فریاد را بلند کنند: "اینگ، داماد می آید؛ برای استقبال او بیرون آیید!"» Early Writings, 238.

در تاریخ فرشته اول و دوم، ریزش روح القدس به وسیله پیوستن ندای نیمه شب به پیام فرشته دوم تحقق می یابد. این امر در تاریخ فرشته سوم نیز تکرار می شود.

«فرشتگانی برای یاری آن فرشته نیرومند از آسمان فرستاده شدند، و من صداهایی شنیدم که گویی در همه جا طنین انداز بود: از او بیرون آیید، ای قوم من، مبادا در گناهانش شریک شوید و از بلاهایش نصیبی یابید؛ زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده است و خدا بی قانونی های او را به یاد آورده است. این پیام چنان می نمود که افزوده ای بر پیام سوم باشد و به آن پیوسته باشد، همان گونه که فریاد نیمه شب در سال 1844 به پیام فرشته دوم پیوست. جلال خدا بر قدیسان صبور و منتظر قرار گرفت، و آنان بی باکانه آخرین هشدار جدی را اعلام کردند، سقوط بابل را ندا در دادند، و قوم خدا را فراخواندند که از او بیرون آیند، تا از فرجام هولناک او رهایی یابند.» Spiritual Gifts, جلد 1، ص. 195.

از نظر کاربرد سه گانه نبوت، پیام فرشته دوم نمایانگر کاربرد سه گانه نبوت است، زیرا این پیام در هر یک از این تاریخ ها چنین است که بابل دو بار سقوط کرده است.

و فرشته ای دیگر از پی آمد و گفت: «بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است؛ آن شهر عظیم، زیرا همه امت ها را از شراب خشم زناکاری خود نوشانیده است.» مکاشفه ۱۴:۸.

فرشته نیرومند مکاشفه باب دهم، همراه با تحقق نبوت وای اول و دوم، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ فرود آمد، و بدین سان نزول فرشته نیرومند مکاشفه باب هجده را در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به گونه ای نمادین پیش نمایی کرد. آن فرشته که زمین را به جلال خویش منور می سازد، آنگاه اعلامی کرد.

و او با صدایی بلند و نیرومند فریاد برآورد و گفت: «بابل عظیم سقوط کرده است، سقوط کرده است، و مسکن دیوها و مأوای هر روح ناپاک و قفس هر پرنده ناپاک و منفور شده است.» مکاشفه ۱۸:۲

دانیال باب چهاردهم کے دوسرے فرشتے کا پیغام، اور باب اٹھارہ کے زور آور فرشتے کا پیغام، اس بات کی نشان دہی کرتا ہے کہ بابل دو مرتبہ گر چکا ہے، اور یہ پیغام آخری ایام کے بابل کی شناخت کرتا ہے۔ یہ

آخری ایام کے بابل کی شناخت کرتا ہے، کیونکہ بابل کے پہلے دو سقوط—ایک نمرود کے زمانے میں، اور دوسرا نبوکدنصر سے لے کر بلشضر کے زمانے تک—مکاشفہ سترہ کی اُس فاحشہ کے سقوط کی نبوتی خصوصیات قائم کرتے ہیں جس کے ماتھے پر لکھا ہے، ”بابل عظیم.“ آخری ایام میں بابل کے اُس سقوط کی شناخت کے لیے بابل کے پہلے دو سقوط کی دو گواہیوں کی ضرورت ہے، کیونکہ آخری ایام کا پیغام یہ ہے: بابل گر پڑا، گر پڑا۔ جب وہ زور آور فرشتہ اُس وقت نازل ہوا جب نیو یارک شہر کی عظیم عمارتیں خدا کے ایک لمس سے ڈھا دی گئیں، تو اُس نے اپنے اعلان کے ذریعے نبوت کے سہ گنا اطلاق کے اصول کی نشان دہی کی۔ نبوت کے اِس سہ گنا اطلاق نے، جس نے 11 ستمبر 2001 کو خدا کے نبوتی کلام کی تکمیل کے طور پر قائم کیا، تین آفتوں کے سہ گنا اطلاق کی صورت اختیار کی۔

در آن تحقق، بسیاری به جنبش Future for America پیوستند و به اصول تفسیر نبوی که Future for America به کار گرفته بود، متقاعد شدند. یازدهم اوت ۱۸۴۰ تکرار شد، و در این تکرار، آنچه تأیید نگردید، قاعدۀ اصلی میلر بود، یعنی این که در نبوت کتاب مقدسی یک روز نمایانگر یک سال است؛ زیرا قاعدۀ اصلی Future for America این بود که تاریخ میلری پیام های فرشته اول و دوم، در تاریخ جنبش فرشته سوم تکرار می شود.

به نظر بدیہی می رسد که اگر سال 1840، آن گونه که خواهر وایت شیطان را معرفی می کند، به حمله ای خاص از جانب اعلیحضرت شیطانی او تبدیل شد، آنگاه تاریخ 11 سپتامبر 2001 نیز می بایست در معرض حمله ای مشابه قرار گرفته باشد. از این رو، با نظریه های توطئه ای روبه رو می شویم که نقش جهانی گرایان، یا یسوعیان، یا سیا، یا خاندان بوش، یا ترکیبی از این قدرت ها را مطرح می کنند. این نظریه ها، هر چند دربردارنده برخی عناصر حقیقت اند، به منظور ابطال این اندیشه طراحی شده اند که این لمس های از جانب خدا بود که ساختمان های عظیم شهر نیویورک را فرو افکند، و بدین سان ورود وای سوم را به تاریخ جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نفر رقم زد.

«آیا اکنون این سخن مطرح می شود که من اعلام کرده ام نیویورک باید به وسیلۀ موجی عظیم از میان برده شود؟ من هرگز چنین نگفته ام. آنچه گفته ام این است که، هنگامی که به بناهای عظیمی که در آنجا طبقه بر طبقه برافراشته می شدند می نگریستم، گفتم: ”چه صحنه های هولناکی رخ خواهد داد هنگامی که خداوند برخیزد تا زمین را به شدت بلرزاند! آنگاه سخنان مکاشفہ ۱۸-۳ به انجام خواهد رسید.“ تمام باب هجدهم مکاشفہ هشدار است درباره آنچه بر زمین خواهد آمد. اما درباره آنچه به طور خاص بر نیویورک خواهد آمد، نور ویژه ای ندارم، جز اینکه می دانم روزی بناهای عظیم آنجا به وسیلۀ گردش و واژگون سازی قدرت خدا فرو افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده است، می دانم که هلاکت در جهان است. یک کلام از سوی خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این سازه های سترگ فرو خواهند ریخت. صحنه هایی رخ خواهد داد که هراس انگیزی آنها را نمی توانیم تصور کنیم.» Review and Herald, July 5, 1906.

نظریه های توطئه، خواه هیچ حقیقتی در بر نداشته باشند و خواه مشتمل بر حقایقی جزئی باشند، همگی آن حقیقت را تضعیف می کنند که این فعالیت مشیت آمیز خدا بود که وقایع آن تاریخ را به وقوع آورد. آن نظریه های گوناگون توطئه، حمله شیطان از بیرون جنبش بر ضد حقیقت اند؛ اما او همچنین از درون جنبش نیز برای تضعیف حقیقت عمل کرد. یکی از آن حملات درونی بر رد روم به عنوان موضوع کتاب یوئیل مبتنی است.

در مقالۀ بعدی به آن مناقشه خواهیم پرداخت.

کلام خداوند که بر یوئیل بن فتوئیل نازل شد. ای پیران، این را بشنوید، و ای جمیع ساکنان زمین، گوش فرا دهید. آیا چنین چیزی در ایام شما واقع شده است، یا حتی در ایام پدرانتان؟ آن را برای فرزندان خود بازگوید، و فرزندانان برای فرزندان خویش، و فرزندان ایشان برای نسل دیگر. آنچه را

ملخ خزنده باقی گذاشت، ملخ خورد؛ و آنچه را ملخ باقی گذاشت، کرم بی‌بال خورد؛ و آنچه را کرم بی‌بال باقی گذاشت، کرم برگ‌خوار خورد. ای مستان، بیدار شوید و گریه کنید؛ و ای همه باده‌نوشان، نوحه‌سرایی کنید، به سبب شراب تازه، زیرا از دهان شما بریده شده است. زیرا قومی بر زمین من برآمده است، نیرومند و بی‌شمار، که دندان‌هایش دندان‌های شیر است، و دندان‌های آسیای او دندان‌های شیر ژیان. یوئیل ۱:۶-۷.